

بنام مبین دانا انشاء الله لم یزل ولا یزال

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



من آثار حضرت بهاء الله - لثالث الحکمة، المجلد 2، لوح رقم (88)، الصفحة 178 - 181

بنام مبین دانا

انشاء الله لم یزل ولا یزال از زلال سلسال معارف محبوب لا یزال بنوشی و بنوشانی نگاشت لدى العرش حاضر و عین عنایت بآن ناظر طوبی لک بما ذکرت لدى العرش مرّة بعد مرّة و نزل لک ما تفوح به رائحة اللطاف بدوام الملک و الملکوت آنچه الیوم لازم و بر آنجناب واجبست اینست که بخدمت حق قیام نمائی و منقطعاً عن کلّ ما کان بتبلیغ امر مالک امکان مشغول شوی و رحیق مختوم که باصبع قیوم مفتوح شده بر اهل عالم مبدول دارید رشحات وحی متتابعاً مترادفاً از اوراق سدره منتهی ترشح میفرماید و بصورت کلمات در الواح الهیه ظاهر و باهر است طوبی لمن فاز بها و وجد عرفها و نطق ببناء موجدھا و قام علی خدمة خالقها و بارئها اینکه از حجیة کتاب سئوال نموده بودید حجیة ما نزل فی هذا الظهور اظهر از آنست که بدلیل محتاج باشد دلیله نفسه و برهانه ذاته هر ذی شم منصفی عرفش را استنشاق نموده و مینماید ملاحظه نمائید در این ظهور کل عالمد که بمدارس زفته و تحصیل علم نموده و از بیت اهل علم هم ظاهر نشده و اکثر ایام عمرش مبتلا و در سجنهای متعدده مسجون بوده معذک قلهش معین فرات علوم نا متناهی ربّانی گشته و اگر بدیده منزه از رمد هوی مشاهده شود در هر قطره آن بحر علم و حکمترا موج بیند و همین قسم که علم حق محیط است همین قسم در سایر اسما و صفات حق ملاحظه نمائید و این آیات یک ظهور از ظهورات حق است اگر تفصیل این مقامات ذکر شود این الواح کفایت نمایند اگر جمیع علمای ارض در حین نزول آیات حاضر باشند یقین بدانید که کل تصدیق مینمایند چه که مفر و مهربی مشاهده مینمایند الا الله المتکلم الناطق السميع البصیر زود است که نفوذ کلمه الهی و احاطه قدرتش را ملاحظه مینمائید اگر چه حال هم مشهود و واضحست مع آنکه در سجن بین ایدی غافلین بوده ظاهراً باهراً تصریحاً من غیر تأویل از ملوک و مملوک کلراً بکمال اقتدار بشطر مختار دعوت فرموده و نظر بضعف عباد شأن این ظهور ذکر نشده الا علی قدر مقدور ما قدروا الله حق قدره و بعضی از ضعفاء چون بمقام بلند عرفان بتمامه فائز نشده اند و بر عظمت آیات الهیه مطلع نگشته اند اینست که بعضی کلمات ترکیب نموده و ادعاهای باطله نموده اند و شأن حقرا منحصر بآن دانسته اند چنانچه نازل شده و منهم من ظن ان الآیة تطلق علی کلمات تنتهی بالعلیم او بالحکیم او باتصال الف فی آخرهما او زیادة نون علی امثالهما و ظن انها کلمات انزلها الرحمن فی صدره لا والله بل اوحی الشیطان فی قلبه قد خسر الذین کفروا بالبرهان و تجاهروا بالعصیان - انتهى - و اگر فی الحقیقه ناس طالب حق بودند و بحق عارف میشدند از جمیع عالم و عالمیان میگذشتند و بشطر رحمن توجه مینمودند انشاء الله آنجناب باید در کلّ حین بخدمت امر مشغول باشند و



ORIGINAL

ناسرا متذکر دارند تأییدات الهیه بوده و هست چنانچه مشاهده مینمائید بر حسب ظاهر مع آنکه در سبج ساکنست بذکر شما مشغول و این لوجه الله بوده و هست که شاید بخدمت امر قیام نمائید و گمگشتگان بادیه ضلالت را بافق هدایت دلالت کنید و همین قسم تأییدات باطنیه را مشاهده نمائید که در کلّ حین متوجه اولیاء بوده و خواهد بود اکثری از ناس رضیعند باید ایشانرا اولاً بلبن حکمت و باغذیه لطیفه تربیت نمود و بعد باغذیه قویه کذلک تفتضی الحکمة ان ربّک لهو المرئی العلیم از قبل لوح امنع اقدس مخصوص آنجناب نازل و با این لوح ارسال میشود ان اطمئنّ بفضل مولیک انه یدکرک کما ذکرک من قبل ان اجهد لاحیاء الاموات بهذا الماء الذی جعله الله علّة حیوة العالمین قل ان الحمد لله ربّ العالمین نفوسیکه در کتاب آنجناب مذکور بود کل بذکر الله فائزند بشرهم بذکرنا آیاهم و کبر علی وجوههم لیفرحن بتکبیر ربهم العلیّ الغالب المقتدر القدير اّما البهاء علیک و علیهم و علی الذین فازوا بهذا النّبأ العظیم .